

از گوشه و کنار

وزیر آموزش و پرورش در گفت و گو با ایلنا:

آمار مصرف مواد مخدر

دانش آموزان را اعلام نمی‌کنم

وزیر آموزش و پرورش گفت: درصد استفاده از مواد مخدر در میان دانش آموزان انطور نیست که بگویم خیلی بالا رفته باشد. این درصد بسیار کم است، اما من درصد آن را تعمداً ذکر نمی‌کنم، زیرا به هر حال یک سری مسائل تربیتی در راستای این موضوع وجود دارد.

سیدمحمد بطحایی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا درباره مصرف مواد مخدر یا قرص های روانگردان از نسوی دانش آموزان گفت: درصد آسیب‌های اجتماعی در مدارس مانند جامعه نیست، اگر چه آسیب‌های اجتماعی در جامعه روه تزیاید است، اما در مدارس این گونه نیست و ریشه گرفتاری دانش آموزانی که مبتلا به هر گونه آسیب اجتماعی به ویژه مواد مخدر می‌شوند، عموماً در خانواده است.

وزیر آموزش و پرورش خاطرنشان کرد: مردم به هیچ عنوان نباید نگران این مساله باشند، از طرفی مانیز نباید با ارائه اطلاعات ناکافی و ناصحیح مردم را نگران کنیم. در حقیقت همانطور که گفته شد، شیوع هنجارها و آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد و مصرف مواد مخدر و سیگار در میان دانش آموزان شیب کمتری به نسبت جامعه دارد و بسیار کنترل شده است. بطحایی در خصوص صد کردن دانش آموزانی که در گیر اعتیاد و یا هر گونه آسیب‌های اجتماعی شده‌اند، گفت: خوشبختانه از سال ۹۷ بر اساس برنامه‌ای که در حوزه متوسطه اول و دوم به اجرا در آوریم، به طور مداوم نشانه‌های ابتدای دانش آموزان به آسیب‌های اجتماعی را رصد می‌کنیم و این رصد هم از طریق طرح نماد صورت می‌گیرد.

وی اضافه کرد: برنامه دیگری هم داریم که بر مبنای آن همه دانش آموزان رصد می‌شوند. قریب به سه میلیون دانش آموز در سال ۹۷ تحت پوشش این برنامه قرار گرفتند و به هیچ عنوان جای نگرانی از طرف والدین وجود ندارد، البته ما باید هوشیارانه عمل کنیم.

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اقداماتی که بعد از مشاهده هر نوع ناهنجاری یا آسیب در بین دانش آموزان باید انجام داد، گفت: در مواقعی که نشانه‌های بروز ناهنجاری را در دانش آموز دیدیم باید بلافاصله آن شخص به مجاری طرح معرفی می‌شوند تا بعد کارهای دیگر برای حل مساله دنبال شوند، اما همانطور که می‌دانید طرح نماد شمولیت خیلی کمی دارد، از این رو ما یک برنامه دیگری که در حقیقت رصد رفتارهای منجر به آسیب‌های اجتماعی در بین بچه‌ها هست را اجرا می‌کنیم.



وی با اشاره به علت ریشه‌های آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد در میان دانش آموزان گفت: این را تاکید می‌کنم که متأسفانه ریشه گرفتاری دانش آموزانی که مبتلا به هر گونه آسیب اجتماعی به ویژه مواد مخدر می‌شوند عموماً در خانواده است. به عنوان مثال در حوزه اعتیاد یا پندر یا ماسدور و یا هر دو دچار اعتیاد هستند که موجب می‌شود، فرزندانش نیز در گیر شوند و در واقع مشکلات از آنجا نشأت می‌گیرد. البته این دلیل نمی‌شود مانسبت به مشکلات و آسیب‌های تفاوت باشیم، بنابراین به آن ورود پیدا کردیم و در حال رصد هستیم و کاملاً تلاش می‌کنیم که جریان را کنترل کنیم.

وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به این سوال که به نظر می‌رسد، بخش رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی در آموزش و پرورش اولویتی برای این گونه مسائل قائل نیست و اینکه چرا نظارتی در مدارس وجود ندارد تا دانش آموزان مواد مخدر و قرص با خود به مدرسه حمل نکنند؟ گفت: ما که نمی‌توانیم در مقابل مدرسه دانش آموزان را تقویت کنیم و اجازه این کار را نیندازیم، آنچه که ما را متوجه این مشکل می‌کند، نشانه‌هایی است که از بچه‌های بینیم، تعداد کسانی که با خودشان مواد مخدر یا قرص روانگردان به داخل مدرسه می‌برند، اندک بوده و اصل قابل توجه نیست. بطحایی ادامه داد: نگرانی ما مربوط به دانش آموزانی است که در گیر اعتیاد شده‌اند نه آنهایی که با خودشان مواد مخدر داخل مدرسه می‌برند. ما ۱۴ میلیون دانش آموز در مدارس داریم و ممکن است از این تعداد ۱۰ تا ۲۰ دانش آموز به دلایلی که گفتیم و عموماً مشکلات خانوادگی در گیر این اختلالات شوند، اما این وظیفه ما است که وضعیت دانش آموزانی که در گیر اعتیاد شده‌اند را دنبال کنیم و با دستگاه‌های ذیربط نیز در این مورد همکاری داشته باشیم.

در حال حاضر با این که

در کتاب‌های درسی

انگلیسی و عربی، مباحث

شنیداری وجود دارد، گاه

حتی سی‌دی‌های مربوط

به آن به دست معلمان و

دانش آموزان نمی‌رسد و

اگر هم برسد به دلیل نبود

سیستم سمعی و بصری

عملاً غیر قابل استفاده

است

نه به شکل دوره‌های آموزشی متداول فعلی که صرفاً برای بازنشستگی و ارتقای حقوق باشد، شرکت کنند. باید مهارت گفت و گو در همکاران ماقوتب آموزش و پرورش همگامی لازم شود. پس سرمایه‌گذاری اصلی باید روی دبیران صورت گیرد، حتی اگر لازم شود دبیران برای مدت کوتاهی به کشورهای انگلیسی‌زبان فرستاده شوند.

به گفته او در حال حاضر به دلیل نقایص متعدد کتاب‌های درسی، این کتاب‌ها در مدارس خاص و تیزهوشان در حاشیه هستند و کتاب‌های کامل دیگری که به افزایش مهارت دانش آموز کمک می‌کند به آن‌ها معرفی نمی‌شود. او به ضرورت دیگری به نام ایجاد امکانات سمعی و بصری در تمام مدارس کشور اشاره می‌کند. محدثی می‌گوید: در حال حاضر با وجود این که در کتاب‌های درسی مباحث شنیداری وجود دارد، گاه حتی سی‌دی‌های مربوط به آن به دست معلمان و دانش آموزان نمی‌رسد و اگر هم برسد به دلیل نبود سیستم سمعی محدثی همچنین به موضوع اختصاص ساعات کم برای تدریس زبان اشاره می‌کند و می‌گوید که دانش آموزان هفته‌ای یک جلسه به مدت ۸۵ دقیقه سر کلاس زبان هستند و این زمان به هیچ وجه پاسخی نیاز معلم و دانش آموز برای یاددهی و یادگیری نیست و حداقل دو تا سه برابر این زمان برای خروجی یادگیری مناسب لازم است.

همه دستگاه‌های همکاری کنند

او معتقد است علاوه بر وظایفی که معلم و سیستم آموزشی در امر آموزش صحیح و کاربردی زبان انگلیسی دارند، سایر نهادها و دستگاه‌ها هم باید دست به کار شوند. به ویژه سازمان صداوسیما با ویژگی منحصر به فردی همچون مخاطبان فراوان در رده‌های سنی مختلف، قطعاً می‌تواند گام بزرگی در این زمینه بردارد. صداوسیما می‌تواند با ایجاد شبکه‌هایی که فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و برنامه‌های آموزشی خاص تحمیلی از سوی والدین می‌چرخد؛ بنابراین چنین کودک یا نوجوانی از اتفاقات و پیشامدهایی که به فرآورد سنین مختلف در مسیر رشد و تحول می‌توانست تجربه کند، محروم می‌ماند. به والدین تاکید می‌شود که از ترسیم آینده اجباری برای فرزندان خویش اجتناب کنند. بهتر است فرزندان را با این ذهنیت پرورش دهند که همه مشاغل خوب و ضروری هستند و فرقی نمی‌کند که چه شغلی را برگزینند؛ مهم این است شغلی را انتخاب کنند که توانایی و پتانسیل انجام آن را داشته باشند و بتوانند پتانسیل‌های بالقوه خویش را بالفعل کنند.

«حسین محدثی»، دبیر زبان فرانسه است. او در این باره به «توسعه ایرانی» می‌گوید: دبیر باید دوره آموزشی بگذراند و انگیزه‌های لازم در او ایجاد شود و خودش به درس‌ها مسلط باشد تا منتظر داشته باشیم خروجی مناسبی از آموزش او ببینیم. من فکر می‌کنم اگر معلم‌ها مامسلط باشند انگیزه لازم برای یادگیری زبان در دانش آموزان وجود دارند. دبیران باید در دوره‌های آموزشی کاربردی

جذب آن فرهنگ می‌شوند. از نظر من این تصور نایب است و اینکه ما بخواهیم بابتی اعتنایی به آموزش مثلا زبان انگلیسی در مدارس با تهاجم فرهنگی مقابله کنیم غلط است و مطمئناً می‌توان روش‌های مؤثرتری در مدارس و خانواده اتخاذ کرد. این دبیر اضافه کرد: با اینکه آن طور که باید و شاید درباره آموزش زبان در مدارس سرمایه‌گذاری نمی‌شود، ناخودآگاه می‌بینیم این فرهنگ برای برخی دانش آموزان و جوانان مانسبتاً جذاب شده است، پس مشکل جای دیگر است و ما نمی‌توانیم این موضوع را به نبود انگیزه در دانش آموز نسبت بدهیم. در راستای همین تفکر غلط سیستم آموزشی، تلاش چندانی برای گسترش و ایجاد روش‌های آموزشی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای آموزش زبان انگلیسی انجام نمی‌شود. پهلوان می‌گوید: متأسفانه اغلب دبیران ما چارچوبی برای آموزش زبان دارند که بیشتر روی پایه گرامر کار می‌کنند، به ویژه که این موضوع در گذشته خیلی رایج بوده است.

زمان تدریس زبان‌های خارجی کم است

این دبیر عربی توضیح می‌دهد: کتاب‌های عربی که در گذشته در مدارس تدریس می‌شد، رویکرد قواعدمحور داشتند و معلمان در سیستم آموزشی ملزم بودند به قواعد بپردازند و با توجه به کنکور و امتحانات، آنچه برای دانش آموزان و معلمان مهم بود تسلط بر همین قواعد بود. البته او اضافه می‌کند که در کتاب‌های جدید بیشتر روی ترجمه و مکالمه تمرکز شده است که البته این میزان مکالمه برای دانش آموزان لازم هست، اما کافی نیست. به همین دلیل نمی‌توان از دانش آموزان انتظار داشت که بعد از فارغ التحصیلی بتوانند عربی صحبت کنند، چرا که کتاب بر اساس این هدف نوشته نشده است. او در ادامه صحبت‌های خود به اختصاص ندادن زمان مناسب به تدریس زبان‌های خارجی از جمله عربی اشاره می‌کند. به گفته او، گاه زمان لازم برای این که یک‌بار کامل از روی متن عربی خوانده شود تا دانش آموز قرائت صحیح را یاد بگیرد نداریم.

«حسین محدثی»، دبیر زبان فرانسه است. او در این باره به «توسعه ایرانی» می‌گوید: دبیر باید دوره آموزشی بگذراند و انگیزه‌های لازم در او ایجاد شود و خودش به درس‌ها مسلط باشد تا منتظر داشته باشیم خروجی مناسبی از آموزش او ببینیم. من فکر می‌کنم اگر معلم‌ها مامسلط باشند انگیزه لازم برای یادگیری زبان در دانش آموزان وجود دارند. دبیران باید در دوره‌های آموزشی کاربردی

باز توجه به تحقیقات و پژوهش‌های روانشناسی می‌توان گفت آن دسته از نوجوانانی که تحت تاثیر صحبت‌های والدین، علائق و استعدادهای خویش را زیر پامی گذارند و آنها را نادیده می‌گیرند، در واقع همچون قربانیانی هستند که در جاده‌ای بی‌انتهای در حال حرکت اند و به جای آنکه از مقصد و مقصود خویش لذت ببرند، تنها لحظه‌شماری می‌کنند تا به پایان راه نزدیک شوند. از منظر آسیب‌شناسی نیز باید خاطر نشان کرد که همین روست، که گهگاهی در جامعه با افراد و دانشجویانی مواجه می‌شویم که رسته دانشگاهی که در آن درس خوانده‌اند با شغلی که در آن تراز می‌کنند کاملاً مغایر است. پرسش اساسی آن است که تا به کی این تفکرات نادرست باید قربانی بگیرد و دانشجو با بی‌میلی در رشته‌ای درس بخواند که در راهی به آن علاقه ندارند و در نهایت همینطور به خیل عظیم افراد فارغ التحصیل بدون تخصص اضافه کند؟ ضروریست والدین در نظر بگیرند با تعیین



استفاده از فیلم‌های آموزشی و انیمیشن‌ها

در این میان بحث هوشمندسازی مدارس چند سالی است که مطرح شده است. این معلم زبان انگلیسی معتقد است در حال حاضر هوشمندسازی مدارس فقط با هدف جذب دانش آموز انجام می‌شود. زیرا مدرسی که هوشمندسازی شده‌اند، اکثر سیستم‌های غیر کاربردی دارند یا به دلایل مختلف همچون وجود مشکل در سیستم یا مهارت نداشتن معلم، مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. این در حالی است که هوشمند بودن مدارس و وجود سیستم‌های سمعی و بصری می‌تواند کمک بسیار زیادی به تدریس زبان کند. او ادامه می‌دهد: استفاده از فیلم‌های آموزشی و انیمیشن‌های مناسب زبان که به وفور در کتاب‌فروشی‌ها وجود دارد کمک شایانی به یادگیری می‌کند. حتی به نظر من استفاده از فیلم‌های آموزشی باعث ایجاد علاقه می‌شود و با ایجاد علاقه، بقیه راه را خود دانش آموز با اشتیاق می‌رود.

«مینا پهلوان»، معلم زبان عربی است که البته معتقد است در کشور ما وقتی دانش آموزان از مدرسه فارغ التحصیل می‌شوند، در هیچ زمینه‌ای تبحر کافی ندارند و این مسئله فقط مربوط به درس زبان عربی نیست. البته در موارد خاص

دانش آموزان در هیچ زمینه‌ای مهارت ندارند

او به «توسعه ایرانی» توضیح می‌دهد: جدا از این مسئله، موضوعی که در رابطه با آموزش زبان در کشور وجود دارد این است که گویا در سیستم آموزشی کشور اراده لازم برای آموزش و یادگیری زبان خارجی وجود ندارد. چون بر اساس تصورات موجود، همراه با آموزش زبان به شیوه‌های متفاوتی که در جریان است، فرهنگ بیگانه وارد کشور می‌شود و دانش آموزان خودآگاه و ناخودآگاه فقط مربوط به درس زبان عربی نیست. البته در موارد خاص



دانش آموزان در هیچ زمینه‌ای مهارت ندارند

او به «توسعه ایرانی» توضیح می‌دهد: جدا از این مسئله، موضوعی که در رابطه با آموزش زبان در کشور وجود دارد این است که گویا در سیستم آموزشی کشور اراده لازم برای آموزش و یادگیری زبان خارجی وجود ندارد. چون بر اساس تصورات موجود، همراه با آموزش زبان به شیوه‌های متفاوتی که در جریان است، فرهنگ بیگانه وارد کشور می‌شود و دانش آموزان خودآگاه و ناخودآگاه فقط مربوط به درس زبان عربی نیست. البته در موارد خاص

استفاده از فیلم‌های آموزشی و انیمیشن‌ها

در این میان بحث هوشمندسازی مدارس چند سالی است که مطرح شده است. این معلم زبان انگلیسی معتقد است در حال حاضر هوشمندسازی مدارس فقط با هدف جذب دانش آموز انجام می‌شود. زیرا مدرسی که هوشمندسازی شده‌اند، اکثر سیستم‌های غیر کاربردی دارند یا به دلایل مختلف همچون وجود مشکل در سیستم یا مهارت نداشتن معلم، مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. این در حالی است که هوشمند بودن مدارس و وجود سیستم‌های سمعی و بصری می‌تواند کمک بسیار زیادی به تدریس زبان کند. او ادامه می‌دهد: استفاده از فیلم‌های آموزشی و انیمیشن‌های مناسب زبان که به وفور در کتاب‌فروشی‌ها وجود دارد کمک شایانی به یادگیری می‌کند. حتی به نظر من استفاده از فیلم‌های آموزشی باعث ایجاد علاقه می‌شود و با ایجاد علاقه، بقیه راه را خود دانش آموز با اشتیاق می‌رود.

دانش آموزان در هیچ زمینه‌ای مهارت ندارند

او به «توسعه ایرانی» توضیح می‌دهد: جدا از این مسئله، موضوعی که در رابطه با آموزش زبان در کشور وجود دارد این است که گویا در سیستم آموزشی کشور اراده لازم برای آموزش و یادگیری زبان خارجی وجود ندارد. چون بر اساس تصورات موجود، همراه با آموزش زبان به شیوه‌های متفاوتی که در جریان است، فرهنگ بیگانه وارد کشور می‌شود و دانش آموزان خودآگاه و ناخودآگاه فقط مربوط به درس زبان عربی نیست. البته در موارد خاص

او به «توسعه ایرانی» توضیح می‌دهد: جدا از این مسئله، موضوعی که در رابطه با آموزش زبان در کشور وجود دارد این است که گویا در سیستم آموزشی کشور اراده لازم برای آموزش و یادگیری زبان خارجی وجود ندارد. چون بر اساس تصورات موجود، همراه با آموزش زبان به شیوه‌های متفاوتی که در جریان است، فرهنگ بیگانه وارد کشور می‌شود و دانش آموزان خودآگاه و ناخودآگاه فقط مربوط به درس زبان عربی نیست. البته در موارد خاص

دانش آموزان در هیچ زمینه‌ای مهارت ندارند

او به «توسعه ایرانی» توضیح می‌دهد: جدا از این مسئله، موضوعی که در رابطه با آموزش زبان در کشور وجود دارد این است که گویا در سیستم آموزشی کشور اراده لازم برای آموزش و یادگیری زبان خارجی وجود ندارد. چون بر اساس تصورات موجود، همراه با آموزش زبان به شیوه‌های متفاوتی که در جریان است، فرهنگ بیگانه وارد کشور می‌شود و دانش آموزان خودآگاه و ناخودآگاه فقط مربوط به درس زبان عربی نیست. البته در موارد خاص

کارشناسان معتقدند که اراده‌ای برای ارتقای آموزش و یادگیری زبان انگلیسی در کشور وجود ندارد، چرا که برخی می‌گویند آموزش زبان‌های خارجی باعث گرایش دانش آموزان به فرهنگ غربی به ویژه کشورهای انگلیسی‌زبان می‌شود. دو سال پیش بود که همین تفکر باعث شد تا آموزش زبان انگلیسی در تمام مدارس دولتی و غیردولتی در مقطع ابتدایی تعطیل شود. این در حالی است که برخی کارشناسان آموزشی معتقدند آموزش زبان باید از مقطع ابتدایی آغاز شود.

خواندن، نوشتن، حرف زدن و شنیدن

اما روی دیگر سکه مؤسسات خصوصی هستند که از این ناکارآمدی و از این غفلت استفاده کرده و پول‌های کلانی از آموزش زبان‌های خارجی به ویژه زبان انگلیسی به جیب می‌زنند و والدین دانش آموزان هم مخالفتی با پرداخت این مبالغ ندارند و حتی آن را برای آینده فرزند خود لازم و ضروری می‌دانند. برای پاسخ به این چرایی‌ها سراغ چند معلم رفتیم و با آنها این موضوع را مطرح کردیم. «محسن ربیعی»، معلم زبان انگلیسی در این باره با اشاره به این که سیستم آموزشی ما در آموزش زبان‌های خارجی کاملاً ناکارآمد است، به «توسعه ایرانی» می‌گوید: در زبان انگلیسی ما با چهار مهارت خواندن، نوشتن، حرف زدن و شنیدن مواجهیم و اگر می‌خواهیم دانش آموز بتواند خوب بشنود و خوب حرف بزند باید از همان مقطع ابتدایی و راهنمایی یادگیری دو مهارت شنیدن و حرف زدن را شروع کند تا در مقطع دبیرستان روی مهارت‌های نوشتن و خواندن تمرکز شود. در حال حاضر هیچ برنامه مدونی در مقاطع مختلف وجود ندارد و دانش آموز در مقاطع مختلف کاملاً با تکلیف است.

این سوالاتی که سال‌هاست بی‌جواب مانده است. بیش از ۴۰ سال است که این سیستم ناکارآمد آموزش زبان‌های خارجی در کشور پیاده می‌شود، اما چرا اک کسی نمی‌گردد! جدای از هزینه‌های میلیاری آموزش و پرورش و واقعا چرا تغییری در نظام آموزشی رخ نمی‌دهد؟ کارشناسان آموزشی کجا هستند؟ بودجه‌های وزارت عریض و طولیل آموزش و پرورش صرف چه می‌شود؟

یادداشت

عواقب اصرار والدین بر ترسیم اجباری شغل فرزندان

یا مهندس و پزشک باش؛ یا هیچ!

شغل آینده فرزندان نشان شنیده‌اید؛ والدینی که به نوعی به دنبال محقق ساختن آمل و آرزوهای خویش در فرزندان هستند. براسی آیا والدین آگاه هستند با ترسیم رویای مشاغلی که هیچ دورنمایی درباره آن در ذهن کودک وجود ندارد، چه هزینه‌های سنگینی را بر روان، ذهن و فکری بارگاری می‌کنند؟

به باور کارشناسان بسیاری از پدر و مادرها، رویای محقق نشده خود را در آینده فرزندان جست‌وجوی می‌کنند. بسیاری از آنان هم معتقدند که چشم‌انداز زندگی بزرگسالی فرزندان را باید از همان دوران کودکی ترسیم کرد تا به زبان خودشان «بچه‌هدف داشته باشد». در این راستا نگرانی که



سوسه محمدی

«بچه‌های ما در دوران دبیرستان زبان خارجی می‌خوانند، برای مثال عربی و انگلیسی یا هر زبان دیگری. وقتی دبیرستان تمام می‌شود بلدند دو دقیقه صحبت کنند؟ من نمی‌خوام یک ساعت حرف بزنند، فقط دو دقیقه! سوال یک خارجی یا یک عرب را می‌توانند جواب بدهند؟ این چه جور تعلیم و تربیتی است؟ این چه سبک تدریسی است؟ از اول شروع به آموزش گرامر می‌کنیم، مگر بچه‌ها فارسی یاد می‌گیرند؟ گرامر یاد می‌گیرند؟ مگر مادری که می‌خواهد به بچه‌اش آموزش بدهد از گرامر شروع می‌کند؟ تمام آموزش درس‌های خارجی از گرامر شروع می‌شود. ما باید یک اقدام اساسی در مدارس شروع کنیم، چه کار باید کرد؟»

این بخشی از صحبت‌های حسن روحانی، رئیس‌جمهور، دو روز پس از روز معلم در حضور شماری از آموزگاران است. روحانی با انتقاد از وزارت آموزش و پرورش در زمینه تدریس زبان‌های خارجی این سوال اساسی را مطرح کرد: «چرا دانش آموز ما نمی‌تواند به زبان خارجی صحبت کند؟»

این سوالاتی که سال‌هاست بی‌جواب مانده است. بیش از ۴۰ سال است که این سیستم ناکارآمد آموزش زبان‌های خارجی در کشور پیاده می‌شود، اما چرا اک کسی نمی‌گردد! جدای از هزینه‌های میلیاری آموزش و پرورش و واقعا چرا تغییری در نظام آموزشی رخ نمی‌دهد؟ کارشناسان آموزشی کجا هستند؟ بودجه‌های وزارت عریض و طولیل آموزش و پرورش صرف چه می‌شود؟

یادداشت

عواقب اصرار والدین بر ترسیم اجباری شغل فرزندان

یا مهندس و پزشک باش؛ یا هیچ!

شغل آینده فرزندان نشان شنیده‌اید؛ والدینی که به نوعی به دنبال محقق ساختن آمل و آرزوهای خویش در فرزندان هستند. براسی آیا والدین آگاه هستند با ترسیم رویای مشاغلی که هیچ دورنمایی درباره آن در ذهن کودک وجود ندارد، چه هزینه‌های سنگینی را بر روان، ذهن و فکری بارگاری می‌کنند؟

به باور کارشناسان بسیاری از پدر و مادرها، رویای محقق نشده خود را در آینده فرزندان جست‌وجوی می‌کنند. بسیاری از آنان هم معتقدند که چشم‌انداز زندگی بزرگسالی فرزندان را باید از همان دوران کودکی ترسیم کرد تا به زبان خودشان «بچه‌هدف داشته باشد». در این راستا نگرانی که

یادداشت

عواقب اصرار والدین بر ترسیم اجباری شغل فرزندان

یا مهندس و پزشک باش؛ یا هیچ!